IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

INTERLOCUTORY AWARD

Case No. A15 (I:G)

Full Tribunal

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

802

پرونده شماره الف/ ۱۵ (بخش اول:ز)

دیوان عمومی

قرار اعدادی شماره ۶۳-الف/۱۵(بخش اول:ز)دیوان عمومی

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
FILED - ثبت شد
Date 20 AUG 1986 تاریخ
۱۳۶۵/۵/۲۹
File A15 شماره

جمهوری اسلامی ایران،

خواهان،

- و -

ایالات متحده امریکا،

خوانده.

درخواست جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مانده وجوه موجود در حسابی که به موجب موافقت نامه های الجزیره در اختیار فدرال رزرو بانک نیویورک قرار گرفته است.

قرار اعدادی

حاضران :

از جانب خواهان: آقای محمد کریم اشراق،

نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای محسن محبی،

مشاور نماینده رابط،

آقای علی معنوی راد،

آقای سعید نیازی،

نمایندگان بانک مرکزی،

آقای ریچارد فالک،

آقای دانیل پی.لویت،

وکلای خواهان ،

از جانب خوانده: آقای جان کروک،

نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا ،

آقای دانیل پرایس ،

قائم‌مقام نماینده‌رابط دولت‌ایالات متحده‌امریکا ،

خانم سالی کامینز ،

آقای تاد بوکوالد ،

از وزارت امورخارجه امریکا ،

آقای جیمز اولتمن،

آقای دان بیتکر،

از فدرال رزرو بانک نیویورک،

خانم روشل استرن،

از وزارت خزانه داری

اول ـ سابقه کلی و جریان رسیدگی

الف ـ سابقه کلی

۱ ـ در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ (۳۰ دی ماه ۱۳۵۹)، به موجب موافقت نامه‌های الجزیره ایالات متحده، ضمن اقدامات دیگر، موجبات انتقال داراییهای ایران نزد فدرال رزرو بانک نیویورک ("فدرال رزرو") و شعب خارجی موسسات بانکی امریکا را به یک حساب امانی که به نام بانک مرکزی الجزایر به عنوان کارگزار امانی، نزد بانک انگلیس گشایش یافته بود، فراهم آورد. بدوا" دارائی هایی که بصورت شمش طلا بود در یک حساب امانی custody account تحت عنوان "حساب شمش طلا"، و اوراق بهادار در یکی از دو حساب امانی تحت عنوان Securities Custody account No.1 "حساب امانی تضمینی شماره ۱" و وجوه دلاری در حسابی تحت عنوان حساب دلاری شماره ۱" نگهداری شد. بانک انگلیس پس از دریافت اطلاع از بانک مرکزی الجزایر مبنی براینکه ۵۲ تبعه ایالات متحده که در ایران بازداشت بودند، به سلامت ایران را ترک کرده‌اند، طبق دستور بانک مرکزی الجزایر بموجب بند۲ (الف) سند تعهدات دولت ایالات متحده امریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ("سند تعهدات")، مبلغ ۳/۶۶۷ میلیارد دلار از "حساب دلاری شماره۱" (۱) به فدرال رزرو منتقل ساخت تا جهت بازپرداخت اصل وام های سندیکائی و بهره متعلقه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ (۱۰ دی ماه ۱۳۵۹) که توسط سندیکاهای بانکی با مشارکت حداقل یک موسسه بانکی امریکائی به دولت ایران یا واحدهای تحت کنترل آن داده شده و یا توسط نامبردگان تضمین شده بود، مورد استفاده واقع شود.

---

(۱) در موافقت نامه‌های الجزیره، اصطلاح "حساب دلاری شماره ۱" صرفا" به حسابی اطلاق می‌شودکه دربانک انگلیس افتتاح گردید ووجوه دلاری داراییهای ایران طبق بند های ۴و۵ بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ("بیانیه عمومی") بدان واریزشد. بعدا" طرفین حساب دلاری شماره۱ رادر مورد مبلغ ۳/۶۶۷ میلیارددلارمنتقله‌ازبانک انگلیس به‌فدرال رزروبه‌کاربردندومنبعددراین قراراعدادی‌نیزبه‌همین‌مفهوم‌به کارخواهد رفت.

۲ ـ پس از آنکه فدرال رزرو وامهای سندیکایی را که در طول مذاکرات مربوط به بیانیه‌های الجزیره، توسط طرفین مشخص شده بود، همراه با بهره متعلقه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ (۱۰ دی ماه ۱۳۵۹) پرداخت کرد، مبلغی متجاوز از ۴ میلیون دلار در حساب دلاری شماره ۱ نزد فدرال رزرو باقی ماند. همچنین، بانکهای کارگزار پس از آنکه اطمینان حاصل کردند که ایران قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) مستقیما" پرداخت‌هائی به اعضاء غیرامریکایی سندیکاهای بانکی بعمل آورده است، وجوه دریافتی را به فدرال رزرو عودت دادند.

۳ ـ تعیین تکلیف این وجوه باقی مانده در حساب دلاری شماره ۱ فدرال رزرو بانک، موضوع مورد بحث در این بخش (بخش اول: ز) از پرونده شماره الف/۱۵ می‌باشد. صورتحسابی که ایالات متحده طبق دستور دیوان تسلیم کرده حاکی است که موجودی این حساب در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۸۳ (۹ دی ماه ۱۳۶۲)، ۳۹۹،۲۹۳،۲۷۳/۸۴ دلار بوده است. در جلسه استماع، نماینده فدرال رزرو بانک اظهار داشت که موجودی حساب دلاری یاد شده در ۳۱ مارس ۱۹۸۶ (۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۵) مبلغ ۴۸۵،۴۱۲،۹۲۷/۸۶ دلار بوده است.

۴ ـ جمهوری اسلامی ایران درخواست کرده است که دیوان بایستی "طی حکمی ایالات متحده را مکلف سازد که فورا" کلیه وجوه مازاد در حساب دلاری شماره ۱ را که برای بازپرداخت اصل و بهره متعلقه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ (۱۰ دی ماه ۱۳۵۹) قروض سندیکائی بانکی که موسسات بانکی امریکایی در آن مشارکت داشته اند، مورد نیاز نبوده، به ایران مسترد دارد. ایالات متحده "تقاضا دارد که دیوان داوری این اختلاف تفسیری را به دلیل فقد صلاحیت رد کند و در صورتی که دیوان جهت رسیدگی به تقاضای ایران احراز صلاحیت کند، مقرر نماید که وضع موجود در رابطه با این وجوه حفظ گردد و تکلیف وجوه فقط از طریق مذاکره بین طرفین تعیین شود".

ب - جریان رسیدگی

۵ - دادخواست ایران در پرونده شماره الف/۱۵ در تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۹۸۲ (۳ آبان ماه ۱۳۶۱) به ثبت رسید. در پرونده الف/۱۵ ایران چند مورد تخلف ایالات متحده را از نظر تعهداتی که از جهت انتقال دارائی های ایران و خاتمه دادن به دعاوی مطروح در دادگاههای ایالات متحده و نیز منع دادخواهی مجدد برعهده داشته، برشمرده است. دیوان داوری طی دستور مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۸۳ (۲۶ بهمن ماه ۱۳۶۱) مهلت های مختلفی را تعیین کرد که طی آن ایالات متحده می بایست لوایح دفاعیه ای راجع به قسمت های مختلف پرونده الف/۱۵ به ثبت رساند. بالنتیجه، هر یک از این قسمت ها جداگانه مورد رسیدگی قرار میگیرد. ایالات متحده لایحه دفاعیه خویش در مورد قسمت "اول:ز" را در ۱۳ اکتبر ۱۹۸۳ (۲۱ مهر ماه ۱۳۶۲) به ثبت رساند. در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۲ آذر ماه ۱۳۶۲) برخی از بانکهای ذینفع ایالات متحده لایحه ای تسلیم نمودند که طبق تبصره ۵ ماده ۱۵ قواعد دیوان جهت ثبت پذیرفته شد. درتاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۴ (۳۰ دی ماه ۱۳۶۲) ایالات متحده به موجب دستور دیوان، صورتحسابی راجع به حساب دلاری شماره ۱ ثبت نمود که وضعیت حساب را تا ۳۰ دسامبر ۱۹۸۳ (۹ دی ماه ۱۳۶۲) نشان میداد. ایران در ۲۳ آوریل ۱۹۸۴ (سوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) نظراتش را درباره این صورتحساب به ثبت رساند.

۶ - ایران همراه با نظراتی که در تاریخ اخیرالذکر ارائه نمود، درخواستی به ثبت رسانده از دیوان داوری تقاضا کرد که با صدور دستوری در قالب یک حکم جزئی ایالات متحده را ملزم سازد که "فورا" مانده حساب مورد بحث را به ایران منتقل نماید". ایالات متحده پاسخ خود به جوابیه خواهان را در تاریخ اول مه ۱۹۸۴ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) به ثبت رساند. در تاریخ ۳ مه ۱۹۸۴ (۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) ایران درخواست خویش جهت صدور حکم جزیی را تجدید نمود. دیوان داوری پس ازاستماع نظرات نمایندگان رابط دو دولت در خصوص این موضوع، وبدنبال درخواست نماینده رابط دولت ایالات متحده، در

تاریخ ۷ مه ۱۹۸۴ (۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) مقرر داشت که پیش از تشکیل جلسه استماع در خصوص این بخش از پرونده شماره الف/۱۵، هیچگونه اقدامی در مورد درخواست یاد شده به عمل نخواهد آمد. در سوم دسامبر ۱۹۸۴ (۱۲ آذر ماه ۱۳۶۳)، ایران جوابیه‌ای در مورد پاسخ ایالات متحده ثبت نمود. پاسخ ایالات متحده به جوابیه ایران، در ۲۵ فوریه ۱۹۸۵ (ششم اسفند ماه ۱۳۶۳) به ثبت رسید.

۷ ـ در روزهای ۲ و ۳ آوریل ۱۹۸۶ (۱۳ و ۱۴ فروردین ماه ۱۳۶۵) جلسه استماع این بخش (اول:ز) از پرونده الف/۱۵ برگزار شد. طبق برنامه تنظیمی مندرج در دستور دیوان برگزاری جلسه استماع راجع به موضوعات زیر بود: (یک) آیا دیوان داوری نسبت به بخش "اول:ز" پرونده شماره الف/۱۵ صلاحیت دارد؟ (دو) آیا ایالات متحده متعهد به انتقال موجودی حساب دلاری شماره ۱ به ایران می باشد؟ (سه) درخواست ایران جهت صدور حکم جزیی و (چهار) ادامه رسیدگی به این پرونده در رابطه با بقیه موضوعات.

دوم ـ صلاحیت

الف ـ اظهارات طرفین

۸ ـ بنظر خواهان صلاحیت دیوان جهت رسیدگی به این بخش (اول:ز) از پرونده شماره الف/۱۵ مبتنی بر بند ۱۷ بیانیه عمومی است که صلاحیت رسیدگی به هرگونه اختلاف فیمابین طرفین "در رابطه با تفسیر یا اجرای هریک از شرایط بیانیه" را به دیوان تفویض نموده است. خواهان استدلال می کند که‌خوانده با عدم انتقال مازاد وجوه حساب دلاری شماره ۱ به ایران، اصل کلی (الف) و بند ۲ بیانیه عمومی که را به طور صحیح اجرا نکرده است. خواهان مضافاً استدلال می کند که مساله دیگر مورد اختلاف در این پرونده، تفسیر و اجرای بند ۲(الف) سند تعهدات است. (رجوع شود به بند ۳۰ ذیل) که شرطی است که در قید صلاحیتی بند ۱۷ بیانیه عمومی منظور گردیده زیرا سند تعهدات با عطف صریح جزئی

از بند ۲ بیانیه عمومی محسوب می شود. خواهان در تایید این استدلال خویش، به تصمیم متخذه دیوان در پرونده الف/۱ استناد کرده، می‌گوید که نبودن یک "شرط اجرائی" در بیانیه‌ها مانع از آن نمی‌شود که دیوان برای رسیدگی به موضوعاتی که "در چهارچوب خود بیانیه‌ها است"، احراز صلاحیت کند. مضافا" خواهان استدلال می‌نماید که اگر دیوان داوری صلاحیت داشت که بند ۲(ب) سند تعهدات را تفسیر کند، کمااینکه در پرونده های شماره الف/۱۶ و الف/۱۷ چنین کرد، اینک هم صلاحیت دارد که بند ۲(الف) همان سند را تفسیر نماید. خواهان موضوع را بنحو دیگری نیز مطرح و استدلال می کند که دیوان "از نظر تضمین اثربخش بودن ترتیبات مربوطه" صلاحیت دارد تکلیف وجوه مازاد را به عنوان یک "مطلب جنبی که در مواد اجرائی بیانیه‌ها مشخصا" قید نشده"، تعیین کند.

۹ ـ خوانده اظهار می دارد که همانطور که تصمیمات دیوان در پرونده های شماره الف/۲ و الف/۱۶ نشان می دهد، صلاحیت دیوان محدود به اختلافات مربوط به تعهداتی است که مبتنی بر مواد اجرائی ویژه موافقت نامه‌های الجزیره باشد. این قید اعطای صلاحیت به کلیه مسائل حقوقی که ممکن است از بیانیه ها ناشی شود تعمیم نمی یابد. نه اصل کلی (الف) و نه بند ۲ بیانیه عمومی، هیچیکدام منشاء مستقل چنین تعهدات ویژه‌ای به شمار نمی‌رود. در رابطه با سند تعهدات، خوانده استدلال می کند که دربند ۲ بیانیه عمومی اشاره‌ای به سند تعهدات نشده و سند مزبور جزو آن به شمار نمی‌رود. خوانده اظهار می دارد که حتی اگر سند تعهدات جزئی از بیانیه عمومی بشمار رود ، باز هم هیچ شرطی در سند تعهدات وجود ندارد که ایالات متحده را مکلف سازد مازاد وجوه رابه ایران منتقل و یا بنحوی از انحاء تکلیف آنها را تعیین کند. خود سند تعهدات بموجب بند ۲(ب) صرفا" در مورد اختلافات بانکی قایل به صلاحیت شده است. خوانده مضافا" استدلال می کند که اختلاف، مشمول نوعی صلاحیت ضمنی مبتنی بر بافت کلی موافقت نامه‌های الجزیره نیست بلکه در واقع، خواهان تقاضا کرده راجع به موضوعی تصمیم گرفته شود که کلا" از حیطه اختیارات تفویض شده به دیوان خارج است، زیرا نامبرده صدور حکمی را خواستار است که مبتنی بر شرط ویژه‌ای در موافقت نامه های الجزایر نیست. بالاخره، خوانده اظهار می

دارد که در بند ۴ (الف) موافقت نامه امانی، مشخصا" مقررشده است که درباره اختلاف حاضر مذاکره صورت گیرد. از آنجا که این مذاکرات هنوز به اتمام نرسیده، دیوان باید تا انجام مذاکرات مستقیم بین طرفین تصمیم خود را به تعویق اندازد.

۲ ـ دلایل

۱۰ ـ خواهان در دادخواست خود، در رابطه با انتقال مانده وجوهی که در حال حاضر در حساب دلاری شماره ۱ موجود است، اظهار می دارد که "قصور و خودداری ایالات متحده از انتقال وجوه،نقض عمدی و ارادی اصل کلی (الف) بیانیه عمومی به شمار می رود". این مطلب در سایر لوایح نیز به عبارات مختلف تکرار شده و از آن زمان تاکنون هیچگاه خواهان از آن صرفنظر نکرده است.

۱۱ ـ از سوی دیگر، خوانده قویا" این مطلب را انکار می کند. نامبرده در لایحه دفاعیه خود اظهار می دارد که "اصل کلی الف... منشاء مستقل تعهدات ویژه‌ای نیست". خوانده در لوایح اخیر خود اظهار می دارد که اصل کلی (الف) صرفا" حاوی "اعلام قصدی" است که در آن مطلبی در خصوص موضوع مازاد وجوه عنوان نشده است. نامبرده ضمن قبول این مطلب که "ایران در پاسخ خود نخست به نحوه استنباط خویش از اصل کلی (الف) استناد نموده، به این نحوه استنباط ایراد گرفته و اظهار می دارد که "این آن چیزی نیست که اصل کلی (الف) بیان می‌کند". از نظر خوانده، "اصل کلی (الف) صرفا" مقدمه‌ای است که منظور و هدف بیانیه عمومی را بیان می کند". بالنتیجه، این اصل کلی بخشی از "مواد اجرائی" بیانیه محسوب نمی شود.

۱۲ ـ با توجه به این اظهارات و اعترافات ، دیوان نتیجه می گیرد که در مورد تفسیر و اجرای اصل کلی(الف) بین طرفین اختلاف نظر وجود دارد. بدون شک، این اختلاف اختلافی است بین طرفین بیانیه عمومی "درباره تفسیر یا اجرای هر یک از شرایط این بیانیه" در

مفهوم بند ۱۷ بیانیه عمومی، و بالنتیجه، به موجب مفاد خود این بند، در حیطه صلاحیت دیوان قرار دارد.

۱۳ ـ نظر به اینکه دیوان صلاحیت خویش را بر این مبنا احراز نموده، نیازی نیست که در این مرحله سایر مبانی صلاحیت را که مورد استناد خواهان است، مورد توجه قرار دهد. و تنها در صورتی که دیوان تشخیص دهد که در وضعی نیست که با استناد به تفسیر و اجرای اصل کلی (الف) به کلیه اظهارات طرفین رسیدگی کند، بناچار این استدلالات جدید را مورد بررسی قرار خواهد داد. لیکن به دلایلی که در زیر ذکر شده، ملاحظه خواهد شد که نیازی به بررسی این استدلالات نیست.

سوم ـ ماهیت دعوی

الف ـ ارتباط و مناسبت اصل کلی الف

۱ ـ اظهارات طرفین

۱۴ ـ همانطور که در بالا ذکر شد، خواهان اظهار می دارد که عدم انتقال مابقی وجوه حساب دلاری شماره ۱ به ایران توسط خوانده، نقض اصل کلی (الف) بیانیه عمومی به شمار میرود. خواهان ضمن آنکه به اصل کلی (الف) استناد نمی کند، ولی استدلال می‌نماید که در اصل مزبور تنها هدف های کلی که همان الزام به استرداد مانده حساب دلاری شماره ۱ به ایران است، تشریح گردیده ـ مانده ای که مازاد بر منظوری باشد که حساب مزبور صرفا" بخاطر آن ایجاد شده، یعنی پرداخت اصل وام های سندیکائی و بهره متعلقه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ (۱۰ دی ماه ۱۳۵۹).

۱۵ ـ خوانده نمی پذیرد که هیچ شرطی در موافقت نامه های الجزیره وی را مکلف می‌سازد

که مازاد وجوه حساب دلاری شماره ۱ را به ایران منتقل نماید. نامبرده خصوصاً اظهار می دارد که اصل کلی (الف) تعهد اجرائی مستقلی برای هیچیک از دولتین ایجاد نمی‌کند. خوانده استدلال می کند که این تعهدات منحصراً در بندهای اجرائی سوای اصول کلی بیانیه تعریف شده، و خواهان هیچ بند اجرائی از بیانیه عمومی را در تائید ادعای خویش ذکر نکرده است.

ب) دلایل

۱۶ ـ دیوان پس از بررسی مفهوم و مناسبت حقوقی که باید برای اصل کلی (الف) قائل شد، خاطر نشان می سازد که بیانیه عمومی با مقدمه‌ای آغاز می شود که چگونگی انعقاد بیانیه درآن شرح داده شده است. در پایان این مقدمه، دولت الجزایر" اعلام می نماید که تعهدات متقابل زیر توسط دو دولت به عمل آمده است". دو اصل کلی، که اولین آنها اصل کلی (الف) است، بلافاصله پس از این عبارت در بیانیه آمده است. نتیجه‌ای که لاجرم باید گرفت این است که اصول مزبور جزء لاینفک "تعهدات" پذیرفته شده توسط دو دولت محسوب می‌شود.

۱۷ ـ موءید این استنتاج ،جمله زیر است که‌درابتدای اصول کلی (الف) و(ب) آمده است :

"تعهدات مشروحه در این بیانیه برمبنای اصول کلی زیر است:
(خط تاکید اضافه شده است).

نحوه انشای عبارت حاکی است که اصول کلی مزبور، برخلاف آنچه که معمولاً در مقدمه معاهدات ملاحظه می شود، صرفاً بیان کننده هدف ومنظورنیست . این اصول صریحاً توسط طرفین به عنوان مبنای حقوقی تعهداتشان توصیف شده ولذا، مشکل بتوان گفت که عاری از هرگونه اثر حقوقی است . اظهار چنین مطلبی با معنای عادی که طبق بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون وین راجع به قانون معاهدات،باید برای کلمات و اصطلاحات این بندقائل شد،و همچنین بااصل موثربودن(ut res magis valeat quam pereat)(*)که

* قایل به اثر شدن ارجح است بر فاقد اثر دانستن

عموما" به عنوان یکی از اصول عمده در تفسیر معاهدات پذیرفته شده، منافات خواهد داشت . بالعکس ، اصول کلی مزبور را که مقدم بر تعهدات طرفین در بیانیه عمومی آمده، باید مبین تعهدات حقوقی وسیع طرفین دانست که نحوه ایفای آنها به تفصیل در قسمتهای بعدی بیانیه عمومی شرح داده شده است.

۱۸ ـ این نحوه تفسیرباکلمات و عباراتی که دربیان‌اصل کلی (الف) بکار رفته،کاملا" انطباق دارد. متن اصل مزبور بدین شرح است:

> "در چارچوب و پیرو شرایط دو بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، ایالات متحده حتی الامکان وضعیت مالی ایران را به صورت موجود قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸(۱۴ نوامبر ۱۹۷۹) باز خواهد گرداند. در این چارچوب ایالات متحده خود را متعهد می‌سازد که تحرک و انتقال آزاد کلیه داراییهای ایران موجود در قلمرو قضایی خود را به شرحی که در بندهای ۴ تا ۹ خواهد آمد، تامین نماید."

کلمات و عبارات متن اصل کلی (الف)، در مفهوم عادی خود به وضوح متضمن تعهداتی از جانب ایالات متحده است، زیرا که در متن عبارت قید شده است که "ایالات متحده وضعیت مالی ایران را... اعاده خواهد کرد"، و مضافا" اینکه "ایالات متحده خود را متعهد می سازد که تحرک و انتقال آزاد کلیه داراییهای موجود ایران در قلمرو قضایی‌اش را... تامین نماید". (خط تاکید اضافه شده است). در این رابطه، شایسته تاکید است که اختلاف نظری در این مورد وجود ندارد که سایر بندهای بیانیه عمومی متضمن تعهدات واقعی دو دولت است. متن عبارت این تعهدات مانند عبارات اصل کلی (الف) غالبا" با فعل معین"خواهد" شروع می شود، (رجوع شود به بندهای ۲ تا ۶ و ۸ تا ۱۴ اصل کلی الف). لذا، دیوان نمی تواند این استدلال خوانده را بپذیرد که اصل کلی (الف) بیش از یک مقدمه نبوده و حاوی هیچ شرط اجرائی نیست. لکن، هنوز باید مشخص کرد که مفهوم دقیق تعهداتی که در این اصل کلی گنجانده شده، چیست؟

۱۹ ـ بررسی دقیق متن عبارت اصل کلی (الف) کاشف از آنست که در این بخش از

بیانیه عمومی، ایالات متحده دو وظیفه متفاوت را پذیرفته است . در جمله اول، نامبرده خود را متعهد ساخته که وضعیت مالی ایران را "حتی الامکان" به صورت موجود قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸) اعاده نماید. حتی با وجود تعدیلی که عبارت داخل گیومه ایجاد کرده، این جمله، جمله‌ای بسیار تام و جامع است. معذلک، باید خاطر نشان ساخت که تعهدات مندرج در این جمله مقید به شرایط بسیار مشخصی است که در اولین عبارت جمله، یعنی :"در چهارچوب و پیرو شرایط دو بیانیه ..." تصریح گردیده ،از اینرو، مفاد دو بیانیه نه فقط اقدامات ویژه‌ای را که ایالات متحده برای اجرای تعهد وسیع مشروح در اصل کلی (الف) مکلف به انجام آنست بیان و تشریح نموده، بلکه همچنین تعهدات ناشی از این الزام را محدود می سازد.

۲۰ ـ دومین جمله اصل کلی (الف) نیز، با عبارات کلی ، یکی از آثار و نتایج حقوقی را که طرفین برای تعهد اعاده وضعیت مالی ایران قایل شده‌اند بیان می‌کند، یعنی: "تامین تحرک و انتقال آزاد کلیه داراییهای ایران در قلمرو قضایی ایالات متحده". اقدامات ویژه‌ای که باید انجام شود به تفصیل در بندهای ۴ تا ۹ بیانیه عمومی آمده است. معهذا، هیچ نکته ای در این جمله دوم وجود ندارد که بتوان گفت ، تعهد کلی اعاده وضعیت مالی ایران را به تعهد محدودتر تامین تحرک داراییهای ایران محدود می‌سازد. بلکه، بالعکس به نظر می رسد که فراهم آوردن چنین تحرکی، اولین قدم در جهت اعاده به وضعیت مورد نظر اصل کلی (الف)می باشد.

۲۱ ـ همانطور که در موافقت نامه های الجزیره بیان شده، اعاده وضعیت مالی ایران به صورت موجود قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸)، فرآیند پیچیده ای است شامل اقدامات متوالی متعددی که در چارچوب حقوقی وسیع تری صورت می گیرد که متضمن یک رشته تعهدات متقابل از جانب هر دو طرف است. این فرآیند، نشانگر موازنه ظریف و دقیقی بین حقوق و تعهدات دو طرف است، و این دقت و ظرافت بیشتر از آن جهت است که این موازنه باید در سراسر مدت نسبتا" طولانی اجرای دو بیانیه و نیز در مراحل

مختلف اجرای آنها، حفظ گردد.

۲۲ ـ اصل کلی (الف)، علی رغم عبارات بسیار کلی آن، بدان معنی نیست که کلیه داراییهای ایران که در هنگام انعقاد موافقت نامه های الجزیره در قلمرو قضایی ایالات متحده واقع بوده باید بلافاصله پس از رسمیت یافتن بیانیه ها و بسلامت خارج شدن ۵۲ تبعه ایالات متحده از ایران، به ایران برگردانده شوند، زیرا به موجب دو بیانیه، و لاجرم طبق توافق طرفین، قرار شد بخشی از این داراییها برای مقاصد دیگری بکار برده شود. از سوی دیگر، تعهد اعاده وضعیت آنچنان جامع است که نمی توان آنرا بدین نحو تفسیر کرد که آن قسمت از وجوه ایران که برای منظورهای تعریف شده در دو بیانیه به کار نرفته، می تواند در ایالات متحده نگهداری شده و به ایران مسترد نشود. چنین نحوه تفسیری به وضوح مغایر با نص صریح و روح اصل کلی (الف) است و هیچ یک از طرفین نیز در استدلال خود، موضعی چنین افراطی اتخاذ نکرده است.

۲۳ ـ اولین قدم در فرآیند اعاده وضعیت، بصورت کلی در جمله دوم اصل کلی (الف) که شرح آن قبلاً رفت، و جزئیات آن در بندهای ۴ و ۹ بیانیه عمومی آمده، بیان گردیده است. به موجب این بندها، انواع مختلف داراییهای ایران واقع در قلمرو قضایی ایالات متحده، می بایست طبق تشریفات مختلفی، در زمانهای متفاوت به یک بانک مرکزی ("بانک مرکزی") انتقال یافته و تا تاریخی که بند ۳ "بیانیه عمومی انتقال یا برگشت آنها را مقرر نموده بصورت امانی نزد آن بانک نگهداری شود.

۲۴ ـ در پایان این مرحله نخستین، کلیه وجوه ایران که پیش از امضای موافقت نامهها در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشت، خارج از قلمرو قضایی مذکور قرار گرفته و به صورت امانی نزد بانک انگلیس که سرانجام توسط طرفین به عنوان بانک مرکزی انتخاب گردید و طبق دستور دولت الجزایر و بانک مرکزی الجزایر عمل می کرد، نگهداری می شد. معهذا، این بدان معنی نیست که در آنموقع وضعیت مالی ایران به شرح مقرر در اصل کلی

(الف) به صورتی که قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸) بوده، اعاده گردیده و نتیجتا" اصل مزبور به طور کامل اجرا شده است. پیش از آنکه ایالات متحده به عنوان واکنش در برابر اشغال سفارت امریکا در تهران و دستگیری اتباع امریکایی دست به تحریم های اقتصادی علیه ایران بزند، ایران نسبت به دارائیهای خود در ایالات متحده آزادی عمل کامل داشت، به استثنای مواردی که احتمالا" اموال ایران به نفع شرکتهای امریکایی یا غیرامریکایی که مدعی خسارت از ایران بودند توقیف یا توسط موءسسات بانکی تهاتر شده بود. بنابراین، وضعیت مالی ایران هنگامی اعاده خواهد شد که ایران این آزادی عمل را نسبت به داراییهایی که برای پرداخت دیون تجاری یا مالی توقیف یا تهاتر نشده‌اند، مجددا" به دست آورد. مادام که هر قسمتی از داراییهای مزبور به صورت امانی نزد یک بانک مرکزی خارجی باقی می ماند که طبق دستور بانک مرکزی خارجی دیگری به عنوان کارگزار امانی عمل می کند، چنین وضعیتی تحقق نمی یابد. بنابراین، اقدامات دیگری برای اجرای کامل اصل کلی (الف) لازم است که این اقدامات در واقع در بیانیه عمومی مقرر گردیده است.

۲۵ ـ به موجب بند ۳ بیانیه عمومی، قرار بود مرحله دوم فرآیند اعاده وضعیت، پس از آنکه دولت الجزایر تایید کرد ۵۲ نفر تبعه ایالات متحده که در ایران بازداشت بودند، بسلامت ایران را ترک گفته اند، آغاز شود. (در غیراینصورت کلیه داراییهای مزبور به ایالات متحده عودت داده می شد). پس از اعلام و تایید خروج ایمن اتباع مزبور توسط دولت الجزایر به بانک مرکزی الجزایر، بانک یاد شده می بایست به بانک مرکزی دستور دهد که "فورا" تمام وجوه و داراییهای دیگری که طبق بیانیه (عمومی) بصورت امانی نزد بانک مرکزی است منتقل گردد". معهذا، این مرحله دوم فقط تا حدودی منتج به برگشت داراییها و تامین آزادی عمل ایران گشت.

۲۶ ـ بند ۳ بیانیه عمومی مشخص نمی سازد که داراییهای ایران به چه طریقی و به چه کسی می بایست منتقل شود. بنابراین، پاسخ به این سوالات را باید درجای دیگری جستجو

کرد.

۲۷ ـ اولین پاسخ، تا حدودی در بند ۷ بیانیه عمومی داده شده است. بخشی از وجوهی که طبق بند ۶ همان بیانیه دریافت گردید، طبق روش پیچیده‌ای به حساب تضمینی بهره‌داری منتقل شد، تا زمانی که موجودی آن حساب به سطح یک میلیارد دلار رسید، و وجوه دیگر حاصله از همان منبع به ایران منتقل گردید. کلیه وجوه حساب تضمینی منحصرا" برای تضمین پرداخت و تادیه ادعاهای مطروح علیه ایران طبق بیانیه حل وفصل دعاوی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. پس از پرداخت کلیه احکام داوری صادره علیه ایران، اقدام سوم و نهایی در اعاده وضعیت مالی ایران صورت خواهدگرفت ، بدین معنی که چنانچه وجهی در حساب تضمینی باقی مانده باشد،به ایران منتقل می شود. در ضمن، ایران متعهد است درصورتیکه موجودی حساب تضمینی از ۵۰۰ میلیون دلار تنزل کند، بلافاصله وجوه جدیدی به حساب تودیع نماید تا حداقل موجودی حساب مذکور در سطح ۵۰۰ میلیون دلار باقی بماند. این شرط بدان معنی است که به هر صورت، مبلغ معتنابهی در پایان فعالیت دیوان در حساب تضمینی باقی خواهد ماند (و بعدا" به ایران منتقل خواهد شد).

۲۸ ـ علاوه براین، بند ۹ بیانیه عمومی مقرر می دارد که کلیه اموال ایران که در ایالات متحده یا در خارج واقع بوده و در حیطه شمول بندهای دیگر نباشد، به ایران انتقال یابد. بالعکس ، هیچ شرط دیگری در بیانیه عمومی راجع به انتقال داراییهای مشروح در بندهای ۴ و ۵ و۸ یافت نمی‌شود، حال آنکه داراییهای مزبور درتاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) مهمترین بخش دارائیهای ایران درقلمرو قضائی ایالات متحده را تشکیل می داد. معهذا،در بند ۲ بیانیه عمومی مقرر شده است که "ترتیبات خاصی برای اجرای تعهدات مندرج در این بیانیه ... به طور جداگانه طی تعهدات خاص" دو دولت "راجع به بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، پیش بینی شده است". در واقع، سندی تحت عنوان "سند تعهدات" در همان روزی که بیانیه ها امضا شد، امضاء گردید و سند مزبور همراه با چند سند دیگر، جزء لاینفک موافقت نامه‌های الجزیره محسوب می شود.

۲۹ ـ دربند۱ سند تعهدات مقرر شده است که :

"برمبنای تاییدیه ای که در پاراگراف سوم بیانیه تشریح شده و دولت الجزایر آنرا اعلام خواهد داشت، بانک مرکزی الجزایر دستورالعمل لازم را براساس پاراگراف زیر صادر خواهد کرد."

بدینسان، روشن است که هدف و منظور سند تعهدات، اجرای بند ۳ بیانیه عمومی است، از طریق مشخص کردن انتقالاتی که بانک انگلستان می بایست به دستور بانک مرکزی الجزایر به عنوان کارگزار امانی، به عنوان قدم دوم فرآیندی که با انتقال داراییهای ایران به بانک انگیس آغاز شد، انجام دهد . تردیدی نمی توان داشت که دیوان داوری اختیار دارد و در واقع موظف است که به منظور تفسیر اصل کلی (الف) و تعیین این مطلب که آیا تعهدات ناشی از این اصل به طور صحیح اجرا شده است یا نه، به سند تعهدات رجوع کند.یک اصل کلی در تفسیر معاهدات، که در بند ۲ ماده ۳۱ کنوانسیون وین راجع به قانون معاهدات نیز آمده، اینست که عبارات معاهده باید در زمینه و شرایط ایجاد آن که از جمله، شامل هرگونه موافقت نامه ای است که در رابطه با انعقاد آن معاهده بین طرفین منعقد گردیده، تعبیر و تفسیر شود. بدیهی است که سند تعهدات، با توجه به عنوان و نیز محتوای خود، در رابط با بیانیه عمومی، مشمول این تعریف واقع می شود.

۳۰ ـ بند ۲ سند تعهدات با عبارتی در توضیح دلیل مربوط به انتقالات گوناگونی که در آن پیش بینی شده آغاز می شود، یعنی "تمایل ایران به پرداخت کلیه بدهیهای خود و بدهیهای موسسات تحت کنترل خود". براین اساس، وجوه مذکور در بند ۱ سند مزبور قرار بود به سه قسمت طبق سه بند فرعی پاراگراف ۲ تقسیم شود:

الف ـ مبلغ ۳/۶۶۷ میلیارد دلار"جهت انتقال به بانک فدرال رزرو نیویورک به منظور بازپرداخت اصل و بهره متعلقه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰(۱۰ دی ماه ۱۳۵۹) (۱) کلیه وامها واعتبارات اعطا شده بوسیله سندیکایی از موسسات بانکی، که حداقل یک موسسه بانکی امریکا در آن عضویت دارد به دولت ایران و سازمانها و موسسات و واحدهای تحت کنترل

وی، و (۲) کلیه وامها و اعتبارات اعطایی به وسیله این سندیکاها که توسط دولت ایران یا یکی از سازمانها، موسسات و واحدهای تحت کنترلش ضمانت شده است، (حساب دلاری شماره ۱).

ب ـ مبلغ ۱/۴۱۸ میلیارد دلار"جهت تودیع در "حساب دلاری شماره ۲" مفتوح در بانک انگلستان به منظور پرداخت اصل و بهره متعلقه وامها و اعتباراتی که در پاراگراف "الف" فوق ذکر شد و پس از مصرف مبلغ ۳/۶۶۷ میلیارد دلار امریکا و همچنین بابت پرداخت سایر بدهیهای مربوط به موسسات بانکی امریکا و یا تضمین شده بوسیله دولت ایران و سازمانهای تحت کنترل ایران ...و همچنین به منظور پرداخت مبالغ مورد اختلاف سپرده ها، داراییها و بهره متعلقه به سپرده های ایران در موسسات امریکا.

ج ـ کلیه داراییهای زائدبراین دو مبلغ بلافاصله به بانک مرکزی منتقل شود.

۳۱ ـ در بند ۲(ب) سند تعهدات، نظیر حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه عمومی، یک اقدام سوم و نهایی در مورد وجوهی که در حساب دلاری شماره ۲ نگهداری می شود، مقرر شده است. پس از آنکه کلیه اختلافهای مربوط به دیونی که باید از محل حساب دلاری شماره ۲ پرداخت شود، خواه از طریق توافق یا به وسیله حکم داوری حل وفصل گردید و پرداختهای مربوطه انجام شد،"مانده مبالغ مذکور در پاراگراف "ب" به بانک مرکزی ایران پرداخت خواهد شد".

۳۲ ـ بالعکس ، سند تعهدات در مورد تعیین تکلیف وجوهی که ممکن است پس از پرداخت کلیه وامها و اعتبارات سندیکائی، بصورت مازاد در حساب دلاری شماره ۱ نزد فدرال رزرو بانک باقی بماند، و کل مبلغ لازم‌التادیه کمتر از ۳/۶۶۷ میلیارد دلار باشد، کاملا" ساکت است . قرینه و نشانه ای حاکی از اینکه مانده حساب باید منتقل شود، یا نه، و اگر باید منتقل شود چه موقع و به چه کسی باید منتقل گردد، وجود ندارد.

۳۳ ـ فقدان هرگونه شرط صریحی در بیانیه ها و سند تعهدات در مورد این موضوع مهم، اساس اختلافی است که در پرونده حاضر به دیوان ارجاع گردیده، زیراخواهان اظهار می‌دارد که ایالات متحده با عدم انتقال مازاد وجوه به ایران، اصل کلی (الف) را نقض کرده است، حال آنکه خوانده می گوید که اصل کلی (الف) "به موضوع وجوه مازاد هیچ اشاره‌ای نمی‌کند" و برای این موضوع هیچ راه حلی چه در بیانیه‌ها و چه در سایر اسناد مربوط بدانها پیش بینی نشده است. طبق اظهار خوانده، تنها راه حل مساله اینست که طرفین از طریق مذاکره موافقت نامه جدیدی منعقد کنند. بنابراین، اکنون جا دارد که به اظهارات طرفین راجع به حقوق و تعهدات مربوطه خود در رابطه با مازاد وجوه حساب دلاری شماره ۱، بپردازیم.

ب ـ وضعیت وجوه مازاد در حساب دلاری شماره ۱

۱ ـ اظهارات طرفین

۳۴ ـ خواهان استدلال می کند که اگر مفاد و منظور و هدف بیانیه عمومی و سند تعهدات طبق کنوانسیون وین راجع به قانون معاهدات تفسیر شود، در آنصورت لازم است که پس از پرداخت اصل وامهای سندیکایی و بهره متعلقه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ (۱۰ دی ماه ۱۳۵۹)، باقیمانده وجوه حساب دلاری شماره ۱ به ایران مسترد گردد. خواهان، علاوه بر اصل کلی (الف)، عمدتا" به پاراگراف ۲ بیانیه عمومی راجع به تامین وجوهی جهت پرداخت انواع خاصی از دعاوی بانکی و همچنین به شرایط ویژه اجرائی در بند ۲ سند تعهدات استناد می‌کند که ضمن اشاره صریح به آن در بیانیه عمومی، جزئی از بیانیه مزبور محسوب شده است. خواهان می گوید که گویای این مطلب، بافت سند تعهدات و تفاهم مشترک طرفین در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) است که بر آن اساس، ایران بلافاصله نسبت به آن بخش از مبلغ ۷/۹۵۵ میلیارد دلار مذکور در سند تعهدات که برای تادیه دعاوی خاص بانکی مذکور در پاراگرافهای فرعی ۲(الف) و ۲(ب) سند تعهدات مورد نیاز

نبود، ذیحق شناخته شد. هیچ قسمت از وجوه ایران که زائد بر آن منظور مشخص باشد، قرار نبود توسط ایالات متحده نگهداری شده و یا به طریق دیگری مورد استفاده قرار گیرد. خواهان استدلال می کند که بند فرعی الف (یک) پاراگراف ۷ ترتیبات فنی فیمابین بانک مرکزی الجزایر، به عنوان کارگزار امانی و رئیس بانک انگلیس و بانک انگلیس و فدرال رزرو بانک نیویورک به عنوان کارگزار مالی ایالات متحده("موافقت نامه فنی") که مقرر می‌دارد مبلغ ۳/۶۷۷ میلیارد دلار "فقط طبق دستور فدرال رزرو بانک"، به بانک یاد شده منتقل گردد، تاثیری در این امر ندارد، زیرا ایران طرف ترتیبات فنی نبوده و لذا مقید و مکلف بدان هم نیست.

۳۵ ـ خواهان مضافا" اظهار می دارد که حق وی نسبت به تقاضای استرداد هر مقدار وجه اضافی که در حساب باقی بماند، از مالکیت وی براین وجوه ناشی می شود و منوط و متکی به هیچ شرط صریحی در موافقت نامه های الجزیره نیست. از نظر خواهان، خوانده وظایفی بعنوان امین در قبال وی دارد، زیرا در رابطه با وجوه موجود در حساب دلاری شماره ۱، خوانده را باید امین ایران شناخت. طبق اظهار خواهان، رابطه امانی مزبور این تعهد را برای خوانده ایجاد می کند که از اقدام به زیان منافع ایران یا از استفاده از وجوه برای منظوری غیر از آنچه که تصریح شده، خودداری نموده و هر مقدار مازادی را به ایران، یعنی امانت گذار وجوه، بازگرداند.

۳۶ ـ خواهان همچنین استدلال می کند که نگهداری وجوه تا هنگام انعقاد موافقت نامه‌ای راجع به تعیین تکلیف آن، مغایر با هدفی است که حساب دلاری شماره ۱ مشخصا" برای آن بوجود آمده است و چنانچه موضع خوانده در این مورد تایید شود، این امر در حکم دارا شدن بلاجهت ایالات متحده خواهد بود که وسیله رفع آن، بازگرداندن وضع پیشین زیاندیده است.

۳۷ ـ خوانده استدلال می کند که هیچیک از شرایط بیانیه عمومی یا سند تعهدات، وی را

ملزم نمی سازد که مازاد وجوه را به ایران منتقل کند و اظهار می دارد هر جا که طرفین قصدشان این بوده که وجوهی به ایران منتقل شود، شرایط ویژه ای بدانمنظور در موافقت نامه‌های الجزیره درج کرده اند، در حالی که راجع به وضعیت وجوه اضافی حساب دلاری شماره ۱ توافقی حاصل نکرده‌اند. خوانده حق ایران نسبت به این وجوه را تصدیق می کند ولی اظهار می دارد که برای حفظ موازنه‌ای که در روابط طرفین به دنبال ترتیبات مالی مندرج در موافقت نامه های الجزایر بوجود آمده، طرفین باید تکلیف وجوه را از طریق مذاکره تعیین کنند. خوانده نمی پذیرد که قبل از حصول چنین توافقی، وی تعهدی نسبت به انتقال مازاد وجوه به ایران داشته باشد. طبق اظهار خوانده، بند فرعی (الف) پاراگراف ۴ موافقت نامه امانی،متضمن یک مکانیسم انحصاری جهت حل و فصل هرگونه اختلاف در مورد تعیین تکلیف وجوه مورد بحث است.

۳۸ ـ خوانده همچنین نمی پذیرد که وی وجوه مورد بحث را تحت عنوان یک رابطه بانکی یا امانی که موضوع حقوق خصوصی است، در اختیار دارد. بالعکس، نامبرده اظهار می‌دارد که روابط دو دولت به موجب موافقت نامه های الجزیره، منحصراً تابع اصول حقوق بین‌الملل عمومی است.

۳۹ ـ بالاخره، در مورد استدلال خواهان راجع به بلاجهت دارا شدن ایالات متحده، خوانده پاسخ می دهد که چنین چیزی به وقوع نپیوسته است.

۲ ـ <u>دلایل</u>

۴۰ ـ هر دو طرف می پذیرند که در مجموعه موافقت نامه های مربوطه که معمولاً به عنوان موافقت نامه‌های الجزیره بدان اشاره می شود، هیچ شرط ویژه‌ای جهت انتقال مازاد وجوه حساب دلاری شماره ۱ فدرال رزرو بانک وجود ندارد. قبلاً تاکید شد که این وضع کاملاً خلاف وضعی است که برای دو حساب دیگری که از محل وجوه امانی تاسیس یافته،

یعنی حساب دلاری شماره ۲ و حساب تضمینی ، مقرر شده است.

۴۱ ـ دلایل این دو نحوه عمل متفاوت در مورد حسابها هرچه باشد، (برخی از این دلایل را می توان از تاریخچه مذاکرات مشروح در پاراگرافهای ۴۷ تا ۵۰ زیر ملاحظه کرد)، سکوت موافقت نامهها راجع به چنین موضوعی بدانمعنی نیست که وضعیت وجوه اضافی حساب دلاری شماره ۱، آنطور که خوانده استدلال می کند در یک خلاء حقوقی رها شده است، زیرا نامبرده اظهار می دارد که فقط انعقاد یک موافقت نامه جدید از طریق مذاکرات تازه میتواند یک راه حل حقوقی بدست دهد. قبل از پذیرفتن یک چنین نتیجه گیری، لازم است دیوان تعیین کند که چنانچه شرایط عمومی موافقت نامهها بصورت یک مجموعه در نظر گرفته شده و در متن و قالب خود مورد تفسیر قرار گیرد، رهنمودی از نظر حقوقی بدست می دهد یا خیر. به دلایلی که ذیلاً شرح داده می شود، دیوان داوری براین نظر است که اصول حقوقی که طرفین در رابطه با این وجوه باید از آن تبعیت کنند را می توان بدین طریق تعیین کرد.

۴۲ ـ نماینده ایالات متحده مکرراً در جلسه استماع توضیح داد که موافقت نامه های الجزیره موازنه پیچیده و ظریفی بین منافع و مصالح دو دولت و همچنین بین حقوق و تکالیف ایشان برقرار ساخته و این موازنه باید هنگام تفسیر و اجرای موافقت نامهها به طور کامل مد نظر قرار گرفته و حفظ شود. دیوان داوری کاملاً با این نظر موافق است.

۴۳ ـ یکی از مهمترین جنبه های این موازنه آنست که بموجب بیانیه عمومی، آن مقدار از داراییهای ایران که به صورت امانی به بانک انگلستان منتقل شد و پس از آزادی ۵۲ تبعه امریکایی فوراً به ایران انتقال نیافت، به سه فقره حساب مخصوص برای منظورهای مشخص انتقال داده شد. منشاء و منبع داراییهایی که بدین نحو منتقل می شد،ماهیت حسابهایی که وجوه قرار بود در آنها نگهداری شود،و نوع دقیق پرداختهایی که میبایست از محل این حسابها انجام شود، در هر مورد با دقت کامل و به تفصیل، مشخص و معین گردید.

۴۴ ـ در مورد حساب دلاری شماره ۱ (۳/۶۶۷ میلیارد دلار)، وجوه مربوطه به فدرال رزرو بانک، به عنوان کارگزار مالی ایالات متحده منتقل گردید، تا "منحصرا" تابع دستور فدرال رزرو" باشد. به مجرد این انتقال، فدرال رزرو بانک که طبق دستور وزارت خزانه‌داری ایالات متحده عمل می کرد، موظف بود که بلافاصله طبق شرایط بند ۲(الف) سند تعهدات، وامها و اعتبارات سندیکایی را از محل آن وجوه بپردازد. در مورد حساب دلاری شماره ۲ (۱/۴۱۸ میلیارد دلار)، قرار بود پرداختها توسط بانک انگلستان و فقط طبق دستور کارگزار امانی، یعنی بانک مرکزی الجزایر انجام شود. خود کارگزار امانی موظف بود که پس از تایید موافقت نامه‌هائی که طبق شرایط بند۲(ب) سند تعهدات، توسط بانک مرکزی و موسسات بانکی مربوطه امریکایی امضا" می‌شد (یا حسب مورد، طبق آراء یک هیات داوری بین المللی یا این دیوان) اقدام نماید.

۴۵ ـ حساب سوم، یعنی حساب تضمینی از طریق انتقال بخشی از داراییهای ایران که در بند ۶ بیانیه عمومی ذکر شد(رجوع شودبه پاراگراف ۲۷ فوق) ایجاد گردید. طبق بند ۷ بیانیه عمومی "کلیه وجوه موجود در حساب تضمینی منحصرا" برای تضمین پرداخت و پرداخت ادعاهای مطروح علیه ایران طبق بیانیه حل وفصل دعاوی، مورد استفاده قرار خواهد گرفت". به موجب موافقت نامه‌های فنی مورخ ۱۷ اوت ۱۹۸۱ (۲۶ مرداد ماه ۱۳۶۰)که به ترتیب با ندرلاندش بانک ان.ف.و بانک تسویه هلند منعقد گردید، مبلغ یک میلیارد دلار نزد بانک اخیر به نام کارگزار امانی تودیع شد.

۴۶ ـ این سه فقره حساب تنها حسابهایی است که به موجب موافقت نامه های الجزیره به منظور تادیه ادعاهای مطروح علیه ایران و یا بدهیهای ایران ایجاد شده است. همانطور که در بالا ذکر شد، این حسابها، حسابهای جداگانه مخصوصی است با منظورهای مجزا و مشخص . در موافقت نامه های الجزیره قید نشده که وجوه موجود در یک حساب می‌تواند برای منظورهایی غیر از آنچه که آن حساب بخاطرآن افتتاح گردیده، مصرف و یا از یک حساب به حساب دیگر منتقل شود،بایک استثناء، بدین شرح: قبلا" در پاراگراف ۳۰ بالا

توضیح داده شد که حساب دلاری شماره ۲ که برای پرداخت وامها و اعتبارات غیرسندیکایی و مبالغ مابه‌الاختلاف سپرده های ایران افتتاح شده، می‌تواند درصورتیکه موجودی حساب دلاری شماره ۱ برای پرداخت کلیه وامهای سندیکایی کافی نباشد، برای پرداخت هرگونه بدهی وام سندیکایی "پس از مصرف ۳/۶۶۷ میلیارد دلار" موجود درحساب شماره ۱، مورد استفاده قرار گیرد.

۴۷ ـ شرط مورد اشاره در پاراگراف قبلی، رابطه ای بین دو فقره حساب که برای پرداخت دیون بانکی تخصیص یافته ایجاد می کند، لیکن این رابطه در سطح حداقل بوده، و به هر صورت بمراتب محدود تر از آنست که در طول مذاکرات مربوط به موافقت نامه ها پیشنهاد شده بود. در طول مذاکرات، ایالات متحده سندی تحت عنوان "سند اجرای توضیحات و دستورات فنی" تهیه کرد که قرار بود توسط همان طرف های موافقت نامه امانی ، یعنی دولت ایالات متحده، فدرال رزرو بانک نیویورک، بانک مرکزی ایران و بانک مرکزی الجزایر امضاء شود. منظور از این سند، "توضیح دستورالعمل مندرج در بند ۴ موافقت نامه امانی‌بود". لازم به یادآوری است که بند اخیرالذکر مقرر می‌داشت که بانک مرکزی الجزایر بلافاصله پس از آنکه ۵۲ تبعه ایالات متحده بسلامت از ایران خارج شدند، دستوراتی را که "مشخصا" در شرایط بیانیه عمومی و سند تعهدات "پیش بینی شده‌بود"، به بانک انگلیس بدهد.

۴۸ ـ سند توضیحات، ضمن مطالب دیگر، حاوی نمونه هائی از دستور پرداخت بود. چنانچه مبلغ ۳/۶۶۷ میلیارد دلار کفایت نمی کرد، کارگزار امانی می‌بایست به بانک انگلستان دستور دهد که وجهی معادل مبلغ کسری با بدهکار کردن حساب دلاری شماره ۲، به فدرال رزرو بانک منتقل نماید. بعلاوه، نمونه ای از یک تلکس جهت ارسال توسط بانک مرکزی ایران به فدرال رزرو، ضمیمه سند توضیحات بود که‌حاوی شرطی در مورد حساب دلاری شماره ۱ بود. متن تلکس نمونه بدین شرح است:

"هر مقدار از مبالغ استردادی ایالات متحده که به علت پرداخت

قبلی دیون یا به دلایل دیگر، به مصرف تادیه این قبیل بدهیها
نرسیده باشد، به بستانکار حساب دلاری شماره ۲ منظور خواهد
شد.."

شرط مربوط به این انتقال (که طرفین معمولا" آن را شرط "واریز"ـ pourover) می‌نامند، این اثر را داشت که چنانچه پرداخت دیون سندیکایی، به علت پرداخت های قبلی یا به دلایل دیگر نیاز به مبلغی کمتر از ۳،۶۶۷ میلیارد دلار داشت، مازاد وجوه می‌بایست به حساب دلاری شماره ۲ منتقل شود. اگر خلاف این فرض اتفاق می افتاد، یعنی در صورتی که رقم ۳/۶۶۷ میلیار دلار کفایت نمی کرد، هر مبلغ اضافی مورد لزوم می بایست از حساب دلاری شماره ۲ به حساب دلاری شماره ۱ منتقل گردد. در هر دو حالت، مساله مابه الاختلاف فعلی طرفین حل می شد، زیرا شرط مربوط به وضعیت مبالغ اضافی حساب دلاری شماره ۲، در مورد مبالغ مازاد در هر یک از دو حساب یا هر دو حساب، قابل اعمال می بود.

۴۹ ـ سرانجام، سند توضیحات توسط ایران رد شد و بانک مرکزی ایران آنرا امضاء نکرد و بدینطریق جزیی از موافقت نامه های الجزیره محسوب نشد. طبق اظهار دو طرف، شرط "واریز" دلیل این عدم پذیرش نبود. در واقع، تلکسی شبیه تلکس نمونه منضم به پیش نویس سند توضیحات در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ (۳۰ دی ماه ۱۳۵۹) از جانب بانک مرکزی ایران به فدرال رزرو بانک مخابره شد، لیکن ایالات متحده به دلیل رد سند توضیحات، تلکس را عاری از هرگونه اثر و نفاذ دانست و سرانجام ده ماه بعد، بانک مرکزی ایران تلکس حاوی دستور واریز را باطل اعلام کرد. وزارت خزانه داری ایالات متحده، به نوبه خود، در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ (۳۰ دی ماه ۱۳۵۹) دستوراتی در مورد تودیع و پرداخت وجوه به فدرال رزرو ارسال نمود مبنی براینکه هر مقدار وجه اضافی موجود در حساب دلاری شماره ۱ به حساب دلاری شماره ۲ واریز شود، لیکن این دستور ده روز بعد با دستور دیگری مبنی بر نگهداری اینگونه مبالغ اضافی، تغییر داده شد. علاوه براین، هر دو طرف در جلسه استماع تصدیق کردند که مکانیسم "واریز" هیچگاه به

مرحله اجراء در نیآمد.

۵۰ ـ با توجه به تاریخچه مذاکرات و نحوه عمل بعدی طرفین در اجرای موافقت نامه های الجزیره، و همچنین با توجه به اظهارات و اعترافات آنان در جریان رسیدگی در دیوان، روشن است که گرچه رسما" شرط "واریز" مورد اعتراض واقع نشد، بااینحال مورد توافق نیز قرار نگرفت و دو طرف پس از دو دلیها و تردیدهائی ، آشکارا این واقعیت را پذیرفتند.

۵۱ ـ دیوان داوری که مقید به شرایط موافقت نامه های الجزیره است، فقط می تواند استنتاجاتی بنماید که از فقدان هرگونه شرط "واریز" در این موافقت نامه‌ها حاصل می شود. بنابراین، دیوان باید به شرایط دیگر موافقت نامه های الجزیره رجوع کند تا دریابد که آیا این شرایط راه حلی برای موضوع مطروح در دیوان به دست می دهند یا خیر. این امر در وهله اول دیوان را به احراز این مطلب رهنمون می شود که موازنه مورد نظر دو دولت در هنگام امضای موافقت نامه های‌الجزیره، این شرط اولیه را به تصریح خود موافقت نامه های مزبور وضع نموده که تخصیص حسابهای مختلفی که طبق موافقت نامه‌ها ایجاد شده، به طور اکید محترم شمرده شود. این نتیجه گیری بدان معنی است که وجوه موجود در هریک از این حسابها نباید برای هیچ منظوری غیر از آنچه که هر حساب برای آن افتتاح شده، مورد استفاده واقع یا به حساب دیگری منتقل شود، الا در یک مورد که در پاراگراف ۴۶ بالا ذکر شده و صراحتا" در بند ۲(ب) سند تعهدات قید گردیده است.

۵۲ ـ بنابراین، به نظر می رسد که مازاد وجوه حساب دلاری شماره ۱ قانونا" نمی تواند برای هیچیک از منظوریهایی که توسط طرفین موافقت نامه ها بیان شده، مورد استفاده قرار گیرد. در اینصورت، درک این مطلب مشکل به نظر می رسد که چرا و به چه دلیل این وجوه را می توان برای همیشه در حساب مزبور نگاهداشت. هر دو طرف در جلسه استماع پذیرفتند که نگهداری وجوه اضافی برای مدت نامحدود، نمی توانسته مورد نظر طرفین بوده

باشد و اگر چنین می بود، در واقع کاری بی معنی بود.

۵۳ ـ به موجب اصل کلی (الف) بیانیه عمومی، ایالات متحده خود را متعهد ساخته که "وضعیت مالی ایران را حتی المقدور به صورت قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸) باز گرداند". بدیهی است اگر داراییهای ایران که قبلاً طبق بیانیه عمومی به حساب امانی منتقل شده بود، پس از منتفی شدن مورد استفاده آنها به منظور تضمین پرداخت یا پرداخت دیونی که ایران در بند ۲(الف) سند تعهدات قول پرداخت آنها را داده بود، به ایران برگردانده نشود، وضعیت مالی ایران "در حدی که مقدور باشد" اعاده نمی‌گردد. ایالات متحده مادام که موجبات استرداد آن داراییها را فراهم نساخته، تعهدات خویش را به طور کامل ایفاء ننموده است.

۵۴ ـ این درست است که طبق اصل کلی (الف) تعهد ایالات متحده که در پاراگراف قبلی نقل شد فقط "در چارچوب و به موجب شرایط دو بیانیه" پذیرفته شده است. به دلایلی که در بالا برشمرده شد (رجوع شود به پاراگراف ۲۹ فوق)، برای تعیین چارچوب دو بیانیه و حدود تعهدات ناشی از شرایط آنها، باید کل مجموعه موافقت نامه‌های الجزیره مد نظر قرار گیرد. معهذا، حتی با در نظر گرفتن این چهارچوب، این واقعیت بهرحال وجود دارد که موافقت نامه‌های الجزیره همانطور که قبلاً به کرات گفته شد، حاوی هیچ شرط ویژه‌ای در مورد انتقال وجوه مصرف نشده حساب دلاری شماره ۱ نیست.

۵۵ ـ دیوان داوری قبلاً خاطر نشان ساخته که سکوت موافقت نامه های الجزیره در خصوص این موضوع نمی تواند بدین نحو تعبیر شود که حساب دلاری شماره ۱ در یک خلاء حقوقی رها شده است. وضعیت حقوقی در این پرونده با موضوع مطروح در پرونده الف/۱ کاملاً تفاوت دارد. در پرونده اخیر دیوان نظر داد که در موافقت نامه های الجزیره تصریح نشده است که با بهره متعلقه به وجوه حساب تضمینی چه باید کرد. رجوع شود به:
DEC 12-A1-FT p.3 (3 August 1982), reprinted in 1 Iran - U.S. C.T.R. 189, 191.

در وضعیت مورد رسیدگی در پرونده الف/۱، هیچیک از شرایط کلی بیانیه ها ناظر به تعیین تکلیف بهره متعلقه به حساب تضمینی نبود. برای حل این مساله که آیا بهره مزبور باید جهت تضمین پرداخت کلیه احکام صادره علیه ایران در حساب تضمینی نگهداری شود یا اینکه با در نظر گرفتن تعهد ایران به تودیع وجوه جدید در صورت کاهش مانده حساب به رقمی کمتر از ۵۰۰ میلیون دلار، باید به ایران عودت داده شود، هیچ اصل حقوقی در موافقت نامه ها یافت نمی شد. بالعکس، فقدان هرگونه قاعده مشخص در مورد تعیین تکلیف وجوه اضافی حساب دلاری شماره ۱، نمی تواند این اثر را داشته باشد که تعهدات وسیع پذیرفته شده توسط ایالات متحده در اصل کلی (الف) را لغو و منتفی نماید، لیکن درعین حال موجب شده است که چند سئوال مربوط به روش و زمان استرداد این وجوه به ایران بلاجواب بماند.

۵۶ ـ تا آنجا که موضوع به رویه و تشریفات مربوط می شود، مساله نسبتا" ساده است. قبلا" خاطر نشان شده‌است که حساب دلاری شماره ۱ منحصرا" تابع دستور فدرال رزرو بانک است که به عنوان کارگزار امانی ایالات متحده عمل می کند. بنابراین، برای انجام انتقال لازم، دستور وزارت خزانه‌داری ایالات متحده کافی است. در بند ۲ (ب) سند تعهدات، قید شده است که مازاد وجوه حساب دلاری شماره ۲، "به بانک مرکزی ایران پرداخت خواهد شد". از سوی دیگر، مانده وجوه حساب تضمینی، پس از پرداخت کلیه احکام صادره علیه ایران، طبق شرایط بند ۷ بیانیه عمومی "به ایران منتقل خواهد شد". باتوجه به اینکه شرط مشخصی در مورد وجوه اضافی حساب دلاری شماره ۱ وجود ندارد، می‌توان از دولت ایران خواست موسسه بانکی را که این وجوه باید بدان منتقل شود، معرفی نماید.

۵۷ ـ مساله زمان انتقال ،موضوعات مشکلتری را پیش می آورد. در مورد حساب دلاری شماره ۲، همانطور که قبلا" گفته شد، انتقال مانده وجوه به بانک مرکزی ایران فقط پس از حل و تسویه کلیه اختلافها و پرداخت مبالغ مربوط، واقع خواهد شد. به عبارت دیگر،

استرداد مابقی وجوه به ایران، تا خاتمه کلیه عملیاتی که حساب بدانمنظور افتتاح شده ، به تعویق خواهد افتاد. همین راه حل در مورد حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه عمومی نیز صادق است.

۵۸ ـ استدلال شده است که قیاسا" همین راه حل باید در مورد حساب دلاری شماره ۱ نیز بکار رود. نقص این استدلال آنست که چون طرفین راجع به این موضوع توافقی نکرده‌اند، تفسیر مخالف نیز بر مبنای مثل مشهور "تصریح یک مورد موجب نفی سایر موارد می شود" " expressio unius est exclusio alterius " قابل دفاع است. در این رابطه، یک تفاوت مهم بین حساب دلاری شماره ۱ و دو حساب دیگر مفتوح به موجب موافقت نامه‌های الجزیره را نباید دست کم گرفت. وجوه نگهداری شده در حساب دلاری شماره ۱ "منحصرا" تابع دستور فدرال رزرو است". به عبارت دیگر، از آنجا که فدرال رزرو به عنوان کارگزار مالی ایالات متحده عمل می کند، بنابراین وجوه تابع تصمیمات تنها یکی از طرفین موافقت نامه های الجزیره است. بالعکس، وجوه موجود در دو حساب دیگر به صورت امانی نزد بانک مرکزی الجزایر نگهداری می شود که به عنوان کارگزار امانی، طبق موافقت نامه‌های حل و فصل فیمابین بانکها و یا طبق احکام داوری عمل می کند، و مراتب توسط طرفین این موافقت نامه ها و یا توسط رئیس این دیوان یا هر دیوان داوری دیگری که به موجب بند ۲(ب) سند تعهدات تاسیس شود، به وی ابلاغ می گردد. این اختلاف در نحوه اداره حسابها باعث می شود که نتوان به آسانی شرط مربوط به تکلیف وجوه حساب دلاری شماره ۲ یا حساب تضمینی را قیاسا" نسبت به حساب دلاری شماره ۱ نیز اعمال کرد.

۵۹ ـ همانطور که ملاحظه شد، طرفین نتیجه گیریهای متضادی از فقدان یک شرط خاص در موافقت نامه‌های الجزیره ارائه می دهند. طبق اظهار خواهان، باید به ایالات متحده دستور داده شود که وجوه اضافی را بلافاصله به ایران مسترد نماید. خوانده ایرادی به این مطلب ندارد که وجوهی که برای منظورهای دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، باید زمانی به ایران

پس داده شود. با اینحال، نامبرده استدلال می‌کند که این کار فقط زمانی می تواند انجام گیرد که کلیه دعاوی مطروح علیه ایران حل و فصل گردیده و طرفین از طریق مذاکره، یک موافقت نامه تکمیلی منعقد کرده باشند. خوانده تاکید می کند که هر دو طرف این رویه را به عنوان تنها راه حل اختلافات مربوط به وجوه اضافی پذیرفته‌اند.

۶۰ ـ خوانده در تایید این نظر به جمله ای استناد می کند که از نظر تخفیف مشکلات احتمالی ناشی از رد سند توضیحات فنی توسط ایران، در آخرین لحظه مذاکرات به بند ۴ (الف) موافقت نامه امانی اضافه شد. جمله بدین شرح است :

> "طرفین متعاقدین مصمم هستند که با حسن نیت جهت حل هرگونه مشکلی که احیاناً در طول اجرای این موافقت نامه پیش آید، اقدام نمایند."

بنابه اظهارخوانده، این جمله بدانمعنی است که کلیه مشکلات ناشی از اجرای موافقت نامه امانی باید از طریق مذاکرات فیمابین طرفین حل وفصل شود. این مطلب در مورد اختلاف فعلی نیز صادق است، و همانطور که قبلاً در بخش مربوط به صلاحیت خاطرنشان شد، خوانده دراستدلالات خود تا بدانجا پیش می رودکه می گوید شرط نقل قول شده بالا اختلاف حاضر را از حیطه صلاحیت دیوان خارج می سازد.

۶۱ ـ دیوان داوری بدواً متذکر می شود که در مواردی که شرط یادشده قابل اعمال است، نحوه انشاء شرط، صراحتاً از دیوان سلب صلاحیت نمی‌کند. مطلبی در این جمله وجود ندارد که بتوان آنرا ناقض یا جایگزین شرایط بند ۷ بیانیه عمومی و بند ۳ ماده دوم بیانیه حل وفصل دعاوی دانست. علاوه براین، در جمله یاد شده حتی کلمات "مذاکره" یا "اختلاف"، به کار برده نشده است. و به نظر می رسد که منظور از عبارت یاد شده، صرفاً تاکید مجدد اصل کلی مندرج در ماده ۲۶ کنوانسیون وین درباره قانون معاهدات باشد که طبق آن معاهدات جاری باید با حسن نیت توسط طرفین اجرا شود.

۶۲ ـ بعلاوه، شرط مورد بحث در موافقت نامه امانی درج گردیده، در حالیکه حساب شماره ۱ به موجب سند تعهدات تاسیس شده است. شرط مزبور ناظر بر مشکلاتی است که "احیاناً" ممکن است در طول اجرای این موافقت نامه پیش آید" (خط تاکید اضافه شده)، که منظورازآن بطور وضوح، موافقت نامه امانی است. درست است که در جمله بلافاصله قبل از آن قید شده که بیانیه عمومی و سند تعهدات "جزو این موافقت نامه به شمار میروند"، لکن این امر تغییری دروضع حقوقی مابه الاختلاف کنونی نمی دهد. موافقت نامه امانی بدین منظور تنظیم شد که بانکهایی را که در جریان اجرای بیانیه عمومی و سند تعهدات دخالت داشتند، یعنی فدرال رزرو بانک نیویورک، بانک مرکزی ایران و بانک مرکزی الجزایر، نسبت به موافقت نامههای الجزیره مقید و متعهد سازد. این نتیجه با قیداین مطلب که بیانیه عمومی و سندتعهدات جزئی از این موافقت نامهاند، حاصل گردید. از قید مزبور این نتیجه به دست نمی آید که وسیله مورد توافق جهت حل مشکلات ناشی از اجرای موافقت نامه امانی، در مورد سند تعهدات که قید مزبور در آن منظور نشده نیز قابل استفاده است.بالعکس ، این واقعیت که شرط مورد بحث دعوی حاضر را شامل نمیشود، بدانمعنی نیست که طرفین برای حل مشکلاتی که ممکن است ضمن اجرای توافق هائی که ایشان را متعهد ساخته پیش آید، نباید با حسن نیت عمل کنند. همانطور که قبلاً هم تاکید شد، چنین تعهدی یک اصل کلی حقوق بین الملل است که در کنوانسیون وین تدوین گردیده و نسبت به هر معاهدهای قابل اعمال است.

۶۳ ـ با در نظر گرفتن مراتب فوق، دیوان متوجه این نکته هست که طرفین، همانطور که از استدلالات مربوطه و متضاد ایشان نزد دیوان بر می آید، حقوق و تکالیف خود بموجب موافقت نامههای الجزیره را به نحو متفاوتی تعبیر و تفسیر نموده اند. بااینحال ، دیوان متذکر میشود که واقعیاتی وجود دارد که بدون شک برمساله زمان استرداد مازاد وجوه حساب دلاری شماره ۱ به ایران، تاثیر می گذارد.

۶۴ ـ اولین واقعیت آنست که از ماه مه ۱۹۸۲ ببعد، هیچ انتقالی از حساب دلاری شماره

۱ صورت نگرفته، مگربه منظور سرمایه گذاری وجوه موجود به منظور دریافت بهره این وجوه. بنا به اظهار خوانده، چند قلم مورد اختلاف هنوز باید حل شود، لکن میزان این اقلام درصد نسبتا" کوچکی از کل وجوه موجود در حساب را تشکیل می دهد. سالهاست که پیشرفتی دراین مورد حاصل نشده‌است. خوانده راجع به اینکه موضوعات مزبور احتمالا" ظرف چه مدت فیصله خواهد یافت، اظهار نظر نکرده است.

۶۵ ـ علاوه براین، هر دو طرف قبول دارند که وجوهی که فعلا" در حساب دلاری شماره ۲ موجود است، برای پرداخت کلیه مطالبات موسسات بانکی امریکایی که هنوز باید طبق بند ۲ (ب) سند تعهدات از محل این حساب پرداخت شود، ازحد کافی نیز بیشتر است. موضوع باصطلاح "بهره ژانویه"، یعنی پرداخت بهره اول تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۱۱ تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹) متعلقه به وامها و اعتبارات سندیکایی، اینک به نظر می رسد که عملا" حل شده باشد زیرا در جلسه استماع اظهار داشتند که توافق کرده‌اند که بهره مزبور از حساب دلاری شماره ۲ پرداخت گردد.

۶۶ ـ با توجه به این موضوع، یقینا" در صد قابل توجهی از وجوه موجود در حساب دلاری شماره ۱، به هر صورت برای مقاصدی که حساب بدانمنظور افتتاح شده، مورد نیاز نخواهد بود. لذا، با توجه به اینکه ایالات متحده که نهایتا" مسئول این حساب شناخته می شود، طبق اصل کلی (الف) متعهد شده که "وضعیت مالی ایران را حتی‌المقدور به وضع سابق اعاده نماید"، بنابراین مادام که ایران تعهدات خود بابت موافقت‌نامه‌های الجزیره را ایفا می نماید، هیچگونه مبنای حقوقی برای نگهداری وجوه حساب مزبور که مورد نیاز نباشد، یافت نمی شود.

۶۷ ـ ایالات متحده، تقاضا دارد ـ و ازنظر دیوان نیز قابل درک است ـ که قبل از اینکه تصمیمی راجع به تکلیف مانده حساب دلاری شماره ۱ اتخاذ شود، طرفین بپذیرند که تسویه حسابی که منجر به برائت ذمه گردد، صورت گیرد. این درخواست نباید مشکلی

جدی ایجاد کند، زیرا وکیل دولت ایران در جلسه استماع اظهار داشت که به وی اجازه و اختیار داده شده که اعلام کند دولت ایران آماده است درمورد اداره حساب دلاری شماره ۱ توسط ایالات متحده وفدرال رزروبانک نیویورک، سند برائت کامل صادر نماید. آنطور که دیوان استنباط می کند، ابراء مزبور بدین معنی است که ایران از هرگونه اعتراض و ایرادی نسبت به اداره حساب یاد شده چشم پوشی و اعراض خواهد کرد.

۶۸ ـ با در نظر گرفتن مراتب بالا، دیوان داوری براین نظر است که اجرای اصل کلی (الف) بیانیه عمومی، در این مرحله مستلزم آنست که دو طرف بلادرنگ وارد مذاکره شده و با حسن نیت مذاکره نمایند تا طی موافقت نامه دوجانبه‌ای، ادعاهایی را که هنوز درمورد حساب دلاری شماره ۱ وجود دارد، مشخص و نتیجتا" مبلغی را که برای پرداخت این ادعاها باید در حساب مزبور نگهداری شود، تعیین نمایند. در همان موافقت نامه، طرفین باید مشخص سازند که چه مبلغ از وجوهی که در حال حاضر در حساب دلاری شماره ۱ موجود است برای پرداخت مابقی ادعاهای موجود علیه این حساب مورد نیاز نیست، و مبلغ مزبور باید بلافاصله پس از انعقاد چنین موافقت نامه ای به ایران منتقل شود. در همان موافقت نامه طرفین باید راجع به تسویه حساب به نحوی که منجر به بری‌الذمه شدن ایالات متحده نسبت به اداره حساب دلاری شماره ۱ گردد نیز، توافق کنند. در صورتی که طرفین نتوانند ظرف مدت معقولی پس از صدور این قرار به چنین توافقی نایل شوند، می‌توانند منفردا" یا مشترکا" به منظور حل بقیه مشکلات، تقاضایی به دیوان تسلیم نمایند.

۶۹ ـ حل و فصل ادعاهایی که در حال حاضر درمورد حساب دلاری شماره ۱ وجود دارد، باید با جدیت دنبال شود. پس از فیصله این ادعاها و پرداخت مبالغ مربوط، مانده وجوه بایستی فورا" به ایران انتقال داده شود.

چهارم ـ <u>قـــرار</u>

۷۰ ـ بنا به دلایل پیش گفته،

دیوان داوری قراری به شرح زیر صادر می کند:

(الف) دیوان صلاحیت رسیدگی نسبت به اختلاف بین طرفین در تفسیر و اجرای اصل کلی (الف) بیانیه عمومی را دارد.

(ب) اجرای اصل کلی (الف) بیانیه عمومی دراین مرحله مستلزم آنست که دو طرف بلافاصله جهت نیل به توافق درموارد زیر، وارد مذاکره شده و با حسن نیت به مذاکره بپردازند:

(یک) تعیین ادعاهایی که هنوز علیه حساب دلاری شماره ۱ مطرح است و مبلغی که نتیجتا" باید جهت پرداخت این قبیل ادعاها، در حساب مزبور باقی بماند.

(دو) تعیین میزان وجوهی که اکنون در حساب دلاری شماره ۱ موجودبوده و برای پرداخت بقیه ادعاهای مطروح علیه این حساب، مورد احتیاج نیست، و

(سه) تعیین شرایط تسویه حسابها، به نحوی که منجر به بری الذمه شناخته شدن ایالات متحده از اداره حساب دلاری شماره ۱ گردد.

(ج) مبلغی که طبق بند دو پاراگراف (ب) بالا تعیین می شود، باید بلافاصله پس از انعقاد چنین موافقتنامه‌ای به ایران منتقل گردد.

(د)درصورتیکه طرفین نتوانند ظرف چهار(۴) ماه پس از صدوراین قرار به چنین توافقی نایل شوند، می‌توانند منفردا" یا مشترکا" جهت حل و فصل بقیه مشکلات به دیوان تقاضا دهند.

(هـ) حل و فصل ادعاهایی که در حال حاضر علیه حساب دلاری شماره ۱ مطرح است، باید با جدیت پیگیری شود. پس از آنکه این ادعاها فیصله یافته و پرداختهای مربوط انجام گردید، مانده وجوه باید بلافاصله به ایران منتقل شود.

لاهه، بتاریخ ۲۹ اوت ۱۹۸۶ برابر با ۲۹ مرداد ماه ۱۳۶۵

کارل ـ هاینس بوکشتیگل
رئیس دیوان

بنام خدا

حمید بهرامی احمدی
نظر موافق

میشل ویرالـــی

روبرت آر. برینـر

بنام خدا

جرج اچ. آلدریـچ
نظر مخالف

محسن مصطفـوی
نظر موافق

هوارد ام. هولتزمن
نظر مخالـف

بنام خدا

چارلز ان. براوئـــر
نظر مخالف

پرویز انصاری معین
نظر موافق

آ.ن/ ک.ف